

گزارش سخرنانی

اوضاع اقتصادی قندهار در مناسبات ایران و هند

در عصر صفویه

• نازنین صفائی

بودند و هر سال مبالغ هنگفتی را به عنوان مالیات به شاهان صفوی می‌پرداختند. این شهر از لحاظ صدور میوه و پشم به هندوستان نیز اهمیت زیادی داشت. قندهار در جنوب افغانستان واقع شده و کلید فتح هند به حساب می‌آمد به طوری که دولت گورکانی هند با استیلا بر این شهر علاوه بر نظارت بر کابل، غزنه و بخشی از بلوچستان افغانستان، بر اقوام بومی و بلوچ منطقه که باعث دردسر می‌شدند کنترل و نظارت داشته و تسلط بر این شهر برای حکومت صفوی نیز در حکم ایجاد امنیت برای مرزهای شرقی ایران بود چرا که قندهار قلعه‌های مستحکمی داشت که پایگاه دفاعی مرزهای شرق ایران محسوب می‌شد. این شهر به دلیل دسترسی به آب فراوان و طبیعت تسخیرناپذیرش می‌توانست ماه‌ها در برابر محاصره مقاومت کند.

آقای رضوی در بخش پایانی سخنان خود، قندهار را به عنوان عامل اصلی سقوط صفویه معرفی کرد و اظهار داشت: علاوه بر ساکنان شهر قندهار که به طور عمده تاجر پیشه بودند، در اطراف شهر دو قبیله به نام‌های غلزایی و ابدالی به سر می‌بردند. غلزایی‌ها از زمان شاه عباس اول به تدریج قدرت یافته بودند و جزو نیروهای بسیار وفادار صفویان محسوب می‌شدند. این اهمیت سبب گردید تا تعدادشان در قندهار فزونی گیرد و حضورشان پررنگ‌تر شود. ابدالی‌ها با مشاهده چنین وضعیتی به هرات مهاجرت کردند و در آن جا مستقر شدند.

در زمان شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی، به دلیل بالا رفتن هزینه‌های دربار رقم مالیات گیری افزایش یافت و بسیاری از امرای محلی مجبور شدند در گرفتن مالیات از مردم سختگیری کنند. ضمن این که برخی مناطق نیز از دادن مالیات موردنظر به دربار طفره می‌رفتند. در اواخر سال ۱۱۱۰ هـ. ق شخصی به نام عبدالله خان، حاکم قندهار شد. وی برای گرفتن مالیات بر مردم فشار آورد و همین امر باعث شد غلزانیان از صفویان کینه به دل بگیرند و به سوی دولت گورکانی هند متمایل شوند. در همین اوضاع و احوال شخصی به نام میرسمندر از رهبران نیرومند طایفه بلوچ قیام کرد و به قندهار حمله نمود، حتی تا حوالی یزد و بندر عباس نیز پیش رفت. شورش

چهارمین سخرنانی تخصصی ماهانه تماشاگه پول در سال ۱۳۸۴ در بیست و ششمین روز از ماه مرداد، با موضوع «اوضاع اقتصادی قندهار در مناسبات ایران و هند در عصر صفویه» و با سخرنانی آقای سیدحسین رضوی خراسانی برگزار شد. در این جلسه که با حضور تنی چند از اساتید و دانشجویان تاریخ تشکیل شد، آقای رضوی با بررسی پیشینه قندهار و اهمیت فراوان آن برای دو امپراتوری صفوی و گورکانیان هند، دلیل اصلی منازعه بر سر حاکمیت این شهر را مزایای اقتصادی، تجاری و دفاعی عنوان کرد و افزود: قندهار هرچند سال یک بار به تصرف صفویان، افغان‌ها و گورکانیان درمی‌آمد، به طوری که در طی دوسده، ۱۵ بار محاصره و ۱۲ بار دست به دست شد. صفویان در همان آغاز حکومت، مالک قندهار شدند. بعدها قندهار به تصرف افغانه درآمد و سرانجام هم از سال ۱۰۰۰ ق / ۱۵۹۱ م به بعد، به دفعات تحت تسلط حکومت گورکانیان هند بود. این شهر در اواسط حکومت صفوی خراجگزار ایران شد. اما وقایع اواخر این سلسله سبب جدایی قندهار از حکومت ایران گردید.

سخرنان در ادامه پس از بیان کرونولوژی محاصره و دست به دست شدن قندهار، به تبیین موقعیت استراتژیکی، اقتصادی و اجتماعی این شهر پرداخت و اظهار داشت: به گفته بارتولد قندهار ولایتی است که در محدوده علیای رود هیرمند واقع است و در نزد علمای قدیم به آراخوزیا معروف بوده است. قندهار یا همان آراخوزیای باستانی که اسکندر در آن قلعه‌ای بنا کرد، توسط کوه‌های بلند و خشکی احاطه شده و طبیعت آن را تسخیرناپذیر کرده است. این شهر در درون دره‌ای خوش آب و هوا و حاصلخیز که پر است از تاکستان‌ها و باغ‌های میوه به وجود آمده است. وجود رود غنداب در شمال این شهر و سرازیر شدن جوی‌ها و رودهای فراوان به داخل شهر سبب توسعه کشاورزی، افزایش جمعیت و توسعه شهرنشینی شده است. قندهار در عصر صفویه به مرکز عبور و مرور کاروان‌های تجاری که از هند به ماوراءالنهر و برعکس در رفت و آمد بودند، تبدیل شد. به همین خاطر عایدات گمرکی فراوانی از این راه عاید مردم شهر می‌شد. اهالی قندهار به دلیل تجارت پیشگی، ثروتمند و با نفوذ

قندهار تقریباً در جنوب افغانستان واقع شده و کلید فتح هند به حساب می‌آمد

اهالی قندهار به دلیل تجارت پیشگی، ثروتمند و با نفوذ بودند و هر سال مبالغ هنگفتی را به عنوان مالیات به شاهان صفوی می‌پرداختند

قندهار در عصر صفویه
به مرکز عبور و مرور
کاروان‌های تجاری که از
هند به ماوراءالنهر و
برعکس در رفت و آمد
بودند، تبدیل شد



قندهار به دلیل
دسترسی به آب فراوان
و طبیعت
تسخیرناپذیرش
می توانست ماه‌ها در
برابر محاصره
مقاومت کند

این شهر همچنان در اختیار غلزایی‌ها به رهبری میرویس باقی ماند. بعد از میرویس، برادرش عبدالعزیز به قدرت رسید اما او روحیه‌ای صلح‌جو داشت و چون اطرافیان‌ش پی بردند که امکان سازش وی با دربار صفوی وجود دارد پسر بزرگ میرویس به نام محمود (میر محمود) را تشویق به قتل عمومی خود کردند و بدین سان محمود به قدرت رسید.

محمود هو شیاری‌های زیادی در حکومت از خود نشان داد از جمله آن‌که به جانبداری از حکومت ایران، به نبرد با فرقه افغانی ابدالی در فراه پرداخت و رهبران، اسدالله را به قتل رساند. سپس با حيله و تزویر توجه سلطان حسین را به خود معطوف داشت و حکومت قندهار را رسماً دریافت داشت و از شاه لقب حسین قلی خان گرفت. در سال‌های ۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶ م قبایل غلزایی و ابدالی هر یک قدم در راه استقرار بیشتر خود برمی داشتند و چندان در پی اطاعت از حکومت ایران نبود. محمود همواره در فکر حمله به ایران و به ویژه مرزهای جنوب شرقی آن بود. عدم وجود فرماندهی مقتدر در صدر لشکریان ایران و ضعف و سستی عمومی در دربار صفویه باعث شد تا بار دیگر افغانه به رهبری محمود در سال ۱۱۳۴ ق / ۱۷۲۱ م. از طریق سیستان و کرمان به اصفهان حمله کنند و این شهر را به محاصره درآورند. محاصره اصفهان تقریباً سه ماه طول کشید و با بروز قحطی در شهر و اعتراض اطرافیان و حتی دربار، سلطان حسین به نزد محمود در فرح آباد رفت و تاج شاهی را تسلیم وی کرد. بدین ترتیب طومار سلسله صفوی که کسی گمان بر سرنگونی آن نمی برد توسط طایفه‌ای درهم پیچیده شد.

میرسمندر نشان داد که دولت صفوی تا چه حد آسیب‌پذیر است. سلطان حسین از گرگین خان حاکم معزول گرجستان برای مقابله با بلوچ‌ها کمک خواست. گرگین خان میرسمندر را شکست داده و به فرمان شاه سلطان حسین حاکم قندهار شد. منابع از گرگین به بدی بسیار یاد می کنند چرا که وی شروع به آزار و اذیت مردم قندهار کرد و برایشان سخت گرفت. مسیحی بودن گرگین خان نیز بر غلزایی‌های مسلمان قابل تحمل نبود. لذا اختلافات دینی هم بر این زمینه دامن زد و باعث ناآرامی شد. گرگین موفق به ایجاد آرامش شد اما قبایل غلزایی و به ویژه شخصی به نام میرویس را که رئیس طایفه هوتک بود، برای اقتدار بیشتر خود خطرناک می دید. بنابراین میرویس را دستگیر کرد و به عنوان شورشی به دربار صفوی معرفی کرد. زمانی که میرویس به اصفهان رفت متوجه اوضاع نابسامان و نامطمئن دربار شد و دریافت که این سلسله بسیار آسیب‌پذیر است. وی با نزدیکی به عوامل نفوذی قدرت در دربار صفوی خود را تبرئه کرد و حتی اجازه یافت که به مکه مشرف شود. میرویس در مراسم حج طی دیداری با علمای سنی مذهب از ایشان درباره مبارزه با حاکم نصرانی استفتاء کرد و از ایشان حکم جهاد دریافت کرد.

میرویس در بازگشت به قندهار با عنوان بیگلربیگی، در برآوردی از استعدادهای خود و نابسامانی حکومت صفویان شرایط را برای قیام مهیا دید. وی بعد از مدتی شورش کرده، گرگین خان را به قتل رساند و حاکم قندهار شد. از این دوره به بعد است که حکومت سومی در قندهار تشکیل می شود.

تلاش‌های دولت صفوی در لشکرکشی به قندهار بی نتیجه بود و